

چهره شیخ بهائی و میرفندرسکی

در تکیه میرا اصفهان پرده ای نقاشی است از چهره شیخ بهائی و میرفندرسکی که موضوع آن افسانه معروف رام شدن شیری زنجیر گسسته است به دست میرفندرسکی در برابر شیخ بهائی^۱.

تربت خود میرابوالقاسم فندرسکی فیلسوف و متفکر و الامقام عصر صفوی - که این تکیه به نام او خوانده شده - نیز در فضای آزاد همانجا در شمال غربی عرصه اصلی قرار دارد و اطراف آنرا مقابر خانوادگی خاندان بختیاری و چند تن از رجال برجسته دوره صفوی به بعد اصفهان احاطه کرده است. بر تربت میرسنک مزاری مرمرین و بزرگ به بلندی بیش از یک متر قرار دارد و لوح آن که به خط ثلث برجسته همزمان با درگذشت میرکنده شده است مطمئن ترین سند تاریخ وفات میرفندرسکی بشمار می رود، بدین مضمون:

«الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون
هدامرقد قدوة الاولیاء و زبدة الاوصیاء معتضد
الاصفیاء معتمد العرفاء قایده السالکین و العاشقین هادی
الموحدین و المتألهمین السائر فضاء الجبروتیة و الطایر فی
هواء اللاهوتیة عاروف عوالم الالبوهیة مالک ممالک
الملکوتیة قطب الدین لاخوف علیهم ولا هم یحزنون مرکز
دایرة بل احیاء عند ربهم یرزقون اعلم علماء المتبحرین
افضل فضلاء المتفردین جامع المعقول مجمع الفروع و الاصول
سیاح بوادی الایقان سیاح بحار العرفان الفانی فی الله و الباقی
بالله سید سادات العظام سند اسناد الفخام السید ابوالقاسم

۱- از تکایای «تخت پولاد» قبرستان قدیمی اصفهان واقع در جنوب زاینده رود
۲- مرحوم مدرس قریزی در کتاب ریحانة الادب (ج ۳ ص ۲۳۲) برای نخستین بار از این نقاشی یاد کرده است. آنگاه آقای دکتر هنرفر متخصص برجسته آثار تاریخی اصفهان در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۵۲۵) با تفصیل بیشتر به معرفی آن پرداخته اند. عکس تابلو نیز به درخواست مدیریت نشریه معارف اسلامی توسط ایشان تهیه و ارسال گردیده است که از این همکاری با ارزش صمیمانه سپاسگزاری می گردد.

منور و هیولی است و آن علت
الطل است.

الفنדרسکی قدس سره الزکی و کان و فاته الف و خمسین
من هجرة النبوی ۱۰۵۰.

۷- معروف المسکونه که در این
الجزو از زمان ۲۲ در این
دهر و زمان تعریف

۸- جوب مسک
الصوری در باره جلی

۹- الحیران
الذلان

۱۰- کتب خط
کتابی که تاریخ

۱۱- کتب خط
۱۲- کتب خط

۱۳- کتب خط
۱۴- کتب خط

۱۵- کتب خط
۱۶- کتب خط

۱۷- کتب خط
۱۸- کتب خط

۱۹- کتب خط
۲۰- کتب خط

۲۱- کتب خط
۲۲- کتب خط

۲۳- کتب خط
۲۴- کتب خط

۲۵- کتب خط
۲۶- کتب خط

۲۷- کتب خط
۲۸- کتب خط

۲۹- کتب خط
۳۰- کتب خط

۳۱- کتب خط
۳۲- کتب خط

۳۳- کتب خط
۳۴- کتب خط

۳۵- کتب خط
۳۶- کتب خط

۳۷- کتب خط
۳۸- کتب خط

۳۹- کتب خط
۴۰- کتب خط

باری، این تابلو نقاشی هم اکنون همراه با چند پرتره نفیس دیگر در اطاق آرامگاه
مرحوم حسینقلی خان ایلخانی (متوفی ۱۲۹۹ ق.) پدر حاج علیقلی خان سردار
اسعد بختیاری مجاهد طراز اول مشروطه قرار دارد. ابعاد تابلو در حدود
۷۰ × ۱۰۰ س. م. است، زمینه اصلی به رنگ سربی تیره و رنگ‌های آرام
دیگر نیز در آن بکار رفته، روغن روکش (روغن کمان) بر اثر مرور زمان سراسر
ترک برداشته و احیاناً در برخی از جاها همراه با لختی از رنگ‌های زیر فرو
ریخته بطوری که پاره‌ای از خط‌ها و رنگ‌آمیزی‌ها - بخصوص شعرهایی که
در جدول بندی کناره‌ها نوشته شده - بکلی محو گشته، تاریخ هم ندارد و نقاش
در قسمت بالای وسط آن فقط چنین رقم کرده است:

«حسب الفرمودة آقا جوهر خواجه حضرت ظل السلط... عمل آقا سید
حسین» که کلمه محو شده را به احتمال هم بصورت «ظل السلطان» و هم «ظل-
السلطنه» می‌توان خواند؛ اما با توجه به قدمت تابلو دشوار است که این
«ظل السلطان» را همان مسعود میرزا ظل السلطان (۱۲۶۶ - ۱۳۳۶ ق.) فرزند
ناصرالدین شاه قاجار حاکم اسبق اصفهان (از ۱۲۹۱ ق. به بعد) یا فرزند
فتحعلیشاه، ظل السلطان علیشاه (۱۲۱۰ - ۱۲۵۰ ق.) سلطان چهل روزه قاجار
(عادل شاه) حاکم اسبق یزد (از ۱۲۴۳ ق. به بعد) دانست؛ زیرا به عقیده
هنرشناسان و صاحب نظران کهنگی و خصوصیات فنی اثر ما را به زمانی فراتر
از این دوره رهنمون می‌گردد.^۳

وجود تالار مجاور مزار میرفندرسکی در ضلع غربی تکیه که گرداگرد
دیواره‌های داخلی آن غزل حافظ به مطلع:

روضه خلد برین خلوت درویشان است مایه محتشمی خدمت درویشان است
به خط خوشنویس نامبردار میرعماد سیفی حسنی قزوینی (متوفی ۱۰۲۴ ق.)
نوشته و گچبری شده است نیز نمودار سابقه و اهمیت دیرینه این تکیه و
روشنگر توجه خاصی است که از دیرباز نسبت به حرمت و آراستگی آن بکار
بسته شده است^۴ و بعید نیست که این پرده نیز روزگاری ضمن سایر
تزیینات آرامگاه میرفندرسکی در همین تالار نهاده شده بوده و سپس به محل
کنونی منتقل شده باشد.

۳- در عرف سالخوردهگان و معمران اصفهان هم که با این اثر آشنا هستند شایع است
که از نیاکان خود شنیده‌اند نقاشی در روزگار جوانی شیخ بهائی و میرفندرسکی را دیدار کرده
و چهره آنان را در خاطر داشته است.

۴- هنوز هم اهالی اصفهان نسبت به میرفندرسکی حرمتی خاص می‌ورزند و با خلوص
نیت به زیارت تیرت او می‌روند و از کرامات میر داستان‌ها زبانزد دارند که بیشترین آنها
خالی از خوش باوری و ساده دلی مریدانه نیست. از آن جمله گویند که استخوان میر ماده
کیمیاست و هر فلزی را زرد می‌گرداند و علت وسعت بیش از حد معمول قبر و بزرگی سنگ
مزار او هم آنست که پیرامون جدار مدفن وی را آهن آجین کرده و با ساروج فرو گرفته‌اند
تا استخوان‌های پیکر میر از دستبرد جستجوگران کیمیا معنون بماند.



پرویش کاہنہ و سال و معالجات فرہنگی
پرتال جامع علوم و ہنرستانی

پرتال جامع علوم و ہنرستانی

